

تقسیم‌بندی آیات قرآن کریم با تأکید بر گزاره‌شناسی اعتقادی

۱ یعقوب فیضی

۲ مصطفی عباسی مقدم

۳ حمیدرضا فهیمی تبار

چکیده

قرآن کریم، سرشار از آموزه‌های لازم در موضوعات و ابعاد زندگی بشر است که پایبندی به آنها در عرصه اندیشه، گرایش و سلوک، قطعاً سلامت، عافیت و سعادت انسان را در برخواهد داشت. از آنجاکه همه این گزاره‌ها و آموزه‌ها عین وحی الهی است، قالب‌ها و دسته‌بندی‌های نو و کارآمد، زمینه شناخت بیشتر معارف و حیانی را فراهم آورده و موجب توجه دقیق و همه‌جانبه و متناسب به جملگی آیات می‌گردد و از افراط و تفریط در باور و عمل به آنها بازمی‌دارد. تقسیم گزاره‌ای، در بخش‌بندی موضوعات قرآنی (مانند عقاید، احکام، اخلاق، قصص) به عنوان روشی جدید موجب کسب اطلاع دقیق و آماری از میزان اهتمام قرآن به هر دسته از موضوع‌ها و مطالب قرآنی می‌گردد. این مقاله در پی آن است که به معرفی تقسیم گزاره‌ای پرداخته و ضرورت، انواع و چگونگی آن را تبیین نماید و به این نتیجه می‌رسد که آیات قرآنی را می‌توان به چهار دسته زیر تقسیم کرد: الف) گزاره‌های اخلاقی در قرآن ب) گزاره‌های فقهی در قرآن ج) گزاره‌های داستانی در قرآن د) گزاره‌های اعتقادی در قرآن. گزاره‌های اعتقادی را نیز می‌توان به چهار دسته مربوط به توحید، معاد، نبوت و عدل تقسیم نمود.

واژگان کلیدی

تقسیمات قرآنی، تقسیم گزاره‌ای، گزاره‌شناسی اعتقادی.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم و معارف اسلامی علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: y.fa.135061@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم و معارف اسلامی علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
Email: abasi1234@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم و معارف اسلامی علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
Email: h_fahimitabar@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۲

طرح مسأله

تقسیمات مختلف قرآن از عصر نزول قرآن و پیامبر (ص) تاکنون همواره مورد توجه پژوهشگران و مفسران بوده و درباره آن بحث‌هایی نسبتاً گسترده انجام شده است. این تقسیمات عمدتاً در محورهای تقسیم‌بندی به سور و آیات، تقسیم‌بندی با توجه به زمان و مکان نزول، تقسیم‌بندی سور با توجه به بلندی، کوتاهی و شمار آیات، تقسیم‌بندی به لحاظ فواتح سور، تقسیم قرآن با توجه به تعداد آیات، کلمات و حروف و تقسیم‌بندی محتوای قرآن بوده که تنها در این شاخه از علوم قرآنی چهار بحث مهم و اصلی وجود دارد:

۱. آیات؛ ۲. سوره‌ها؛ ۳. تقسیمات آیات و سوره‌ها؛ ۴. تقسیمات شکلی قرآن.

به‌طور کلی با تقسیم و تحلیل یک مجموعه می‌توان به معلومات جدیدی دست یافت که می‌تواند در شناخت آن مجموعه بسیار کمک نماید. با این تقسیم‌بندی‌ها بود که دانش‌های فراوانی تحت مجموعه علوم قرآنی به وجود آمد که روزه‌روز بر حجم و اتقان آن افزوده می‌شود. پرسشی که مطرح می‌شود آن است که کدام نوع از تقسیمات می‌تواند پژوهشگران قرآنی را در کسب معارف قرآنی بیشتر یاری دهد و چگونه می‌توان تقسیمات قرآنی را بر پایه‌ای غیر از تقسیماتی که تاکنون انجام گرفته بنا نهاد. برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها ابتدا ضمن بررسی کارکردهای لفظی و محتوایی قرآن کریم به معرفی بخش‌بندی گزاره‌ای در قرآن می‌پردازیم.

سابقه پژوهش درباره تقسیمات قرآنی

محققان قرآنی از قرون اولیه پس از نزول قرآن به این‌گونه مباحث توجه فراوانی می‌نمودند و حتی عده‌ای در مورد آن رساله‌هایی مستقل نگاشتند؛ در سده اول هجری، در دوره حجاج بن یوسف، قرآن بر اساس تعداد حروفش به دو، سه، چهار و هفت بخش تقسیم شد. پس از حجاج، دیگران به پیروی از شیوه او در تقسیم قرآن، تقسیمات دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت، هشت، نه و ده جزئی قرآن را ابداع کردند (ابوداود، ۱۴۳۰، ۲: ۵۳۹-۵۴۶). البته پس از آن تقسیمات جزئی‌تری را هم ذکر کرده‌اند (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ۱۰۲-۱۲۱). ظاهراً غرض اصلی از همه این تقسیمات شکلی، تعیین مقداری از قرآن بوده که یک مسلمان باید روزانه قرائت کند (آبیاری، ۱۴۰۵

ق، ۱:۳۷۹). پژوهش‌های مختلفی به‌صورت موردی و خاص به تحلیل موضوعی سوره‌ها و آیات پرداخته‌اند اما هیچ‌کدام موضوعات قرآن را به نحو گزاره‌شناسی استخراج ننموده‌اند. برخی از این پژوهش‌ها به این شرح است:

۱. *آیات الاحکام*، «محمد بن سائب کلبی» نوشته‌ی قرن دوم، در این کتاب آیات با موضوع احکام جمع‌آوری شده است که آیات دیگر قرآن مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. نویسنده در این کتاب بیشتر آیاتی را ذکر می‌کند که احکامی از مسائل مکلفین را طرح می‌نماید و آیاتی که مبنای مباحث فقهی است یا به‌اصطلاح فقها آیات اصولی را مطرح نمی‌کند. عده‌ی زیادی از علما معتقد هستند اولین کتابی است که آیات الاحکام را جدا کرده است؛

۲. *کنز العرفان*، مقداد بن عبدالله سیوری، تقریب مذاهب اسلامی، قم ۱۳۹۰، نوشته قرن نهم، فاضل مقداد در این کتاب با حجم دو جلد به بحث آیات احکام می‌پردازد و در ابتدا تعریف آیات الاحکام و در نهایت موارد و مصادیق آیات الاحکام را بررسی می‌کند و در برخی آیات ریز موضوعات فقهی آیات را مشخص می‌کند که بیشتر از روایات کمک می‌گیرد تا موضوع آیات را مشخص نماید. می‌توان گفت در معیارهای تمییز و تشخیص آیات الاحکام دقت لازم صورت نگرفته است چراکه برخی آیات به مصادیق و برخی به حکم فقهی اشاره دارند در حالی که هیچ توجه‌ای به این مطلب نشده است؛

۳. *الاتقان فی علوم القرآن*، جلال‌الدین، سیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۱ ق، نوشته‌ی قرن نهم و دهم، نویسنده در این پژوهش به مباحثی همچون روش جمع‌آوری قرآن، اعجاز قرآن، امثال قرآن، سوگندهای قرآن، بیان فاضل و افضل در قرآن، فضائل آیات و سوره‌ها... می‌پردازد که بیشتر در علوم قرآنی کاربرد دارد. وی در این کتاب دسته‌بندی‌هایی را برای قرآن بیان می‌کند، به مکی و مدنی بودن اشاره می‌کند و سوره‌ها را از هم تفکیک می‌کند و سپس تقسیماتی چون سفری و حضری، شب یا روز نازل شدن آیات، تابستانی یا زمستانی بودن آیات، فراشی و نومی، زمینی و آسمانی را بیان می‌کند که البته موارد را نام نمی‌برد بلکه روش‌ها را مطرح می‌کند و سپس به ارائه شاخصه‌ها و معیارهای شناخت گونه‌های آیات می‌پردازد؛

۴. *آیات العقائد*، میردامادی، سید جمال‌الدین، نشر بی‌نام ۱۳۵۵ ش، نوشته قرن یازدهم هجری، در این کتاب نویسنده صرفاً به ذکر و طرح آیاتی می‌پردازد که موضوعات کلامی و اعتقادی دارند که در اکثر موارد نمونه‌هایی از آیات را ذکر می‌کند و آیاتی را که موضوعات مشترک اعتقادی و اخلاقی یا اعتقادی و فقهی دارند را مطرح نمی‌کند بلکه صرفاً آیاتی که تماماً به مسائل اعتقادی اشاره دارد را مطرح می‌کند؛

۵. *تفصیل الآیات*، ژول لایوم، اسلامیه ۱۳۶۰، این اثر نخستین معجم موضوعی قرآن است که موضوعات مطرح شده در قرآن را همراه با آیات آن آورده است تفصیل الآیات دارای سبکی بدیع زیبا و برخوردار از دقت و اتقان نسبی است. اصل انتخاب و گزینش مفاهیم کلیدی (ژول) نیز مبتنی بر ضرورت‌ها و مسائل مطرح در زمان تألیف است. ولی علی‌رغم امتیازات فراوانی که دارد دارای نقاط ضعف و کاستی‌هایی است که بر قرآن پژوهان و مراجعه‌کنندگان به آن پوشیده نیست؛

۶. *آیات العقاید*، حجازی ابراهیم، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲، نویسنده در این پژوهش به گردآوری آیات العقاید پرداخته و موضوع کلی آیات را در نظر گرفته است و آیاتی را که کل موضوع را به مباحث اعتقادی می‌پردازند مورد گردآوری قرار داده است، اما صرفاً آیات العقاید را و نه گزاره‌های اعتقادی؛

۷. *الالمام ببعض آیات الاحکام*، محمد بن صالح العثیمین، اهل‌البیت (ع)، قم، ۱۳۹۰، نویسنده در این پژوهش به روش‌های استنباط و استخراج آیات الاحکام می‌پردازد و خود آیات را مورد بررسی و استخراج قرار نمی‌دهد بلکه معیار کلی برای تمییز و تشخیص آیات را ارائه می‌نماید؛

۸. *آیات الاخلاق*، غیائی، محمدرضا، جامعه القرآن، تهران، ۱۳۹۱، نویسنده در این کتاب آیات با موضوع اخلاق را استخراج نموده است و تعداد آنها را ۶۵۰ آیه می‌داند. در این پژوهش بیشتر آیه‌شناسی صورت گرفته است و گزاره‌ها مورد بررسی قرار نگرفته‌اند؛

۹. *طبقات الآیات*، خلیل‌الله صبری، امیرکبیر ۱۳۹۲، این کتاب در ۲۶ فصل تنظیم شده است؛ و دسته‌بندی آنها به صورت استقرایی و ذوقی است. در این اثر آیات با ترجمه و آدرس، ذیل موضوعات می‌آید و از سیستم ارجاع استفاده نشده است؛

۱۰. / اخلاق در قرآن، ناصر مکارم شیرازی، امیرالمؤمنین، قم ۱۳۹۶، نویسنده در این کتاب به ذکر نمونه‌های آیات اخلاقی می‌پردازد و برای هر مورد اخلاقی آیات یا آیه متناسب را ذکر می‌کند. گرچه این نوشته به‌عنوان مبانی قرآنی مباحث اخلاقی در قرآن به کار می‌رود اما این مسئله وجود دارد که همه آیات با موضوع اخلاق در آن مطرح و بررسی نشده است؟

محقق در بین کتب نامبرده شده و دیگر کتبی که در زمینه تقسیم‌بندی قرآنی تحقیقاتی انجام داده‌اند، به موردی دست پیدا نکرده است که در مبحث گزاره‌شناسی قرآنی فعالیتی داشته باشند، لذا این تحقیق به نظر نو و بدیع است.

تقسیمات قرآنی در مواردی با مخالفانی مواجه شده است. از آن جمله تقسیم قرآن به ۶ یا ۷ قسمت و انتشار آن در ۶ یا ۷ جزوه (که برای سهل‌الوصولی در جلساتی که قرآن دسته‌جمعی تلاوت می‌گردید) معمول گردید ولی برخی فقها این کار را به دلیل نبودن (بدعت) و پاره پاره شدن قرآن جایز نمی‌دانستند و با آن مخالفت می‌کردند؛ درحالی که عده‌ای آن را جایز شمرده، حتی به استحباب آن فتوا داده‌اند. (المتحف، ۱۴۲۴، ۳).

محققان پژوهش‌های گسترده‌ای در تقسیم آیات به اعتقاد، احکام و اخلاق انجام داده‌اند، اما در زمینه گزاره‌شناسی آیات قرآن تحقیق خاصی صورت نگرفته است

کارکردهای تقسیم‌بندی لفظی و محتوایی قرآن

از آنجایی که در هر تقسیمی باید ثمره‌ای در جهت غرض مقسم وجود داشته باشد و گرنه تقسیم لغو و بیهوده خواهد بود، تقسیمات قرآن نیز از این قاعده مستثنی نیست در ذیل به تعدادی از این فواید اشاره می‌کنیم.

فواید کلی تقسیمات قرآنی

به‌طور کلی فایده تقسیمات قرآنی، اطمینان و اعتمادی است که در دل ما ایجاد می‌کند. چه این کار اهتمام مسلمانان را در تمام جهات مختلف قرآن می‌رساند که تا پیش از هجرت و پس از آن را نیز نقل کردند و آنچه در سفر و یا حضر آمده آنچه به شب یا روز نازل شده آنچه به زمستان و تابستان بوده آنچه به زمین و آسمان آنچه مجمل و یا مفسر آنچه از مکه به مدینه رفته و آنچه از مدینه به مکه و یا حبشه برده‌اند. وقتی دقت و ضبط تا

این حد بود دیگر سلامت آن و مصونیت از تغییر و تحریف مسلم و روشن می‌گردد.
(رامیار، ۱۳۸۷، ۶۰۴)

فایده کلی دیگر آنکه تقسیم‌بندی‌ها موجب شده است علوم فراوانی از قرآن به وجود آمده که برای درک درست مفاهیم قرآنی باید آنها را قبلاً دانست و به همین جهت ابوالقاسم الحسن نیشابوری می‌گوید: بیست و پنج علم است در قرآن کریم که هر که نداند بر او روا نیست که در کتاب خدای تعالی سخن گوید (رامیار، ۱۳۸۷، ۶۰۴).

فایده تقسیم به مکی و مدنی

تقسیم‌بندی آیات به مکی و مدنی تا اندازه‌ای زمان نزول وحی الهی را بیان می‌کند و تا حدی آیات را از نظر مکان نزول و یا اشخاص موردنظر و یا از جهت زمان نزول تفکیک می‌کند و روشن است که این تقسیم‌بندی‌ها برای تعیین زمان نزول آیات خود عامل بس مهم شمرده می‌شود.

دیگر اینکه هر گاه دو آیه از قرآن مجید در یک موضوع باشد و حکم یکی با دیگری اختلاف داشته باشد و بدانیم که یکی مکی و دیگری مدنی است می‌توانیم بگوییم که آیه مدنی ناسخ حکم مکی است. چه از نظر زمان آیه مکی پیش از مدنی نازل شده است. باز از فواید آن شناسایی تاریخ تشریح و حکمت در چگونگی نزول و کشف مراحل مختلف‌ای است که دعوت اسلامی گذرانده است.

فایده تقسیم قرآن به سوره‌ها

از فواید سوره سوره شدن آیات سهولت تعلیم و یاد دادن، به‌ویژه برای کودکان که معمولاً از سوره‌های کوتاه آغاز می‌کنند و همچنین آسانی حفظ و به خاطر سپردن برای حافظان قرآن است (رکنی یزدی، ۱۳۷۹، ۱۰۹).

اگر خواننده یک سوره یا یک باب از کتابی را بخواند و سپس وارد باب یا سوره دیگری شود برای او نشاط‌آورتر خواهد بود و او را به تحصیل و فراگیری آن وامی‌دارد تا به طور مستمر کتابی را مطالعه کند، مانند مسافری که یک میل یا فرسنگ راه پیماید و بر سر یک آبادی استراحتی کند، برایش آسان‌تر است و برای پیشرفت چابک‌تر است (زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ۹۸:۱).

در بسیاری از سوره‌ها هدف خاصی نهفته است که محور نزول آیات آن سوره است و این هدف باعث شده تا آیات مختلف در کنار هم و در قالب یک سوره قرار گیرند (حجتی، ۱۳۸۷، ۱۰۷).

هر سوره‌ای از قرآن حتی در حداقل آیات آن (که ۳ آیه است) معجزه و آیتی از نشانه‌های الهی است (قنادی، ۱۳۸۹، ۱۰۷).

بخش‌بندی‌های جدید قرآنی

از نظر مجموع قرآن‌پژوهان، در یک نگاه فراگیر، مجموعه مباحث و موضوعات مطرح شده در قرآن گاه به سه دسته و گاهی به چهار دسته یا بیشتر تقسیم شده‌اند. به عبارت دیگر آیات قرآن یا در قالب مسائل اعتقادی که تحت عنوان مباحث علم کلام است به طرح بحث می‌پردازند و به تحلیل و تبیین اصول پنج‌گانه دین می‌پردازند و یا در مورد اخلاقیات انسانی کنکاش می‌کنند و فضایل و رذایل را بازمی‌نمایند و یا به مسائل فقهی که شامل بایدها و نبایدهای شرعی است مربوط‌اند و یا داستان‌زدگانی بزرگان ادیان و حوادث تاریخی اقوام و قبایل را رقم می‌زنند. به صورت کلی و تقریبی می‌توان گفت گزاره‌های موجود در قرآن از این دسته‌ها خارج نیستند.

ما این تقسیم چهارگانه (رباعی) را مبنای تقسیم‌بندی خویش قرار داده و زیرشاخه‌های هر قسم را به ترتیب زیر شناسایی و تبیین می‌نماییم؛ در مباحث اعتقادی در سه نوع خداشناسی، نبوت، معاد و در احکام با توجه به دو نوع گزاره‌های عبادی و غیرعبادی و در مباحث اخلاقی در دو شاخه‌ی کلی گزاره‌های فردی و اجتماعی. آنچه تاکنون ذکر شد را تقسیمات طولی گزاره‌های قرآنی نام نهاده‌ایم. البته بدیهی است که برخی گزاره‌ها مشترک بوده و در آن واحد هم اخلاقی و هم اعتقادی‌اند که این واقعیت نیز بایستی در مدل تحقیق رعایت و شناسایی شود.

بخش‌بندی گزاره‌ای در قرآن

گزاره، معنای واژه «قضیه» در عربی است که در لغت به حکم و فرمان، وصیت، خبر، حکایت و سرگذشت معنی گردیده است (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، ۵: ۱۸۵) و در اصطلاح با توجه به هدف علوم مختلف همانند ریاضیات، اصول فقه، ادبیات و منطق، تعاریف

متفاوتی از آن ارائه می‌گردد که نزدیک‌ترین تعریف به گزاره‌شناسی قرآنی تعریف علم منطق از قضیه است که در علم منطق چنین تعریف می‌شود: «جمله و گفتاری که «ذاتاً» امکان وصف آن به درستی یا نادرستی و به دیگر سخن، احتمال صدق و کذب در آن وجود داشته باشد» (ابن سینا، ۱۳۸۱، ۱۴)؛ اما منظور از گزاره قرآنی عبارت است از قضیه یا جمله کامل و مستقل قرآنی که بدون وابستگی به سایر جمله‌ها ایده یا دستوری را القاء می‌کند؛ بنابراین ممکن است یک آیه دارای چندین قضیه باشد (مثل آیه الکرسی که در ادامه به آن اشاره می‌شود) و ممکن است یک قضیه شامل چندین آیه شود که در مجموع مفهوم واحد مستقلی را به مخاطب القاء می‌کند (مانند آیات ۳۱ تا ۳۵ سوره نبأ که در ادامه به آن اشاره می‌شود).

برای رسیدن به شناسایی گزاره‌های قرآنی باید ابتدا با توجه به تعریف گزاره در هر سوره‌ای به جداسازی جملات کامل پرداخته تا محدوده گزاره‌ها مشخص شود، سپس در صورتی که آن گزاره شامل هریک از معیارهای اخلاق، فقه، قصص یا عقاید، باشد زیرمجموعه آن قسمت قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال: آیه الکرسی (آیه ۲۵۵ سوره بقره) به‌عنوان یک آیه اعتقادی به شمار می‌رود که طبق تقسیم گزاره‌ای دارای نه گزاره اعتقادی است:

۱. اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ؛ ۲. لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ؛ ۳. لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ؛ ۴. مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ؛ ۵. يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ؛ ۶. وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ؛ ۷. وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ؛ ۸. وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا؛ ۹. وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ؛

فواید تقسیم گزاره‌ای

اولاً: آنچه امروزه مورد نیاز و دغدغه قرآن‌پژوهان و محققان همه علوم اسلامی است اطلاع دقیق و آماری از میزان اهتمام قرآن به هر دسته از موضوع‌ها و مطالب در گزاره‌های قرآنی است؛ چیزی که می‌تواند رهگشای بسیاری از مطالعات عمیق‌تر و تسهیل‌کننده پاسخ‌گویی صریح و وحی به پرسش‌های روز باشد. کسب این اطلاعات دقیق در سایه تقسیم قرآن به گزاره‌هاست نه تقسیم به آیات زیرا چه بسیار آیاتی که به‌تنهایی شامل چندین

گزاره است که هر گزاره یک مورد بر آمار تکرار آن موضوع در قرآن از بین چهار موضوع اعتقادی، فقهی، اخلاقی، قصص می‌افزاید، درحالی که در صورت آمارگیری با آیات فقط یک مورد به آمار آن نوع از تقسیمات قرآنی افزوده می‌شود و از دقت آمارگیری و بسامد موضوعات می‌کاهد. ثانیاً: در مواردی که چند آیه پی‌درپی جمله واحدی را در مورد یک موضوع تشکیل دهند، دقیق‌تر آن است که تمامی آیات در بررسی آماری موضوعات تحت یک موضوع قرار گیرند و مقدار تکرار آن موضوع را یک مورد افزایش دهند؛ درحالی که در صورت تقسیم به آیات، مقدار تکرار آن موضوع به تعداد آیات افزایش می‌یابد که در تعیین بسامد اقسام موضوعات قرآنی خلط و اشتباه صورت می‌گیرد. به‌عنوان مثال آیات ۳۱ تا ۳۵ سوره نبأ درحالی که به‌عنوان ۵ آیه اعتقادی نام‌برده می‌شوند ولی در واقع فقط یک گزاره اعتقادی محسوب می‌شوند: *إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (النَّبَأُ ۳۱) حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا (النَّبَأُ ۳۲) وَ كَوَاعِبَ أُنْرَابًا (النَّبَأُ ۳۳) وَ كَاسًا دِهَاقًا (النَّبَأُ ۳۴) لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدًّا (النَّبَأُ ۳۵)* که در موضوع معاد و نعمت‌های بهشتی است و هر آیه در معنا ادامه آیه قبلی است نه اینکه به‌طور مستقل یک قضیه و مفهوم اعتقادی را تبیین نماید.

ثالثاً: از آنجا که قرآن کریم منبع اصلی رجوع پژوهشگران برای دریافت پاسخ به پرسش‌ها و شبهات موجود در حوزه‌های مختلف علمی است لذا هرچقدر این مجموعه در تفکیک مطالب به صورت جزئی‌تر دسته‌بندی شده باشد، مجموعه کامل‌تر و رسیدن به پاسخ آسان‌تر، سریع‌تر و دقیق‌تر صورت می‌گیرد که این مهم با گزاره‌شناسی قرآن بهتر حاصل می‌شود.

رابعاً: تقسیم‌بندی قرآن به آیات امری توقیفی است و حدود هر آیه مشخص، ولی گزاره‌های قرآنی با توجه به نیاز هر موضوع و علمی قابلیت دسته‌بندی و گزاره‌شناسی مختلفی می‌تواند باشد. همچنین پژوهشگران می‌توانند در صحت یا عدم صحت قرار گرفتن آن گزاره در آن موضوع و علم و تعیین حدود مرز گزاره‌ها به تبادل نظر پرداخته و به برداشت‌های بیشتر و دقیق‌تری از قرآن مجید دست یابند، مانند گزاره‌شناسی آیات اعتقادی که دسته‌بندی گزاره‌ها در حوزه علم کلام است، همین‌طور علم فقه، اخلاق، اصول، طب، روان‌شناسی و...

خامساً: یک گزاره هم زمان که یک گزاره داستانی است می‌تواند بیانگر یک مطلب اخلاقی یا فقهی نیز بوده و یک گزاره اخلاقی یا فقهی نیز محسوب شود. اکنون به بررسی تفصیلی مقسم‌های چهارگانه تقسیم‌بندی به گزاره‌ها می‌پردازیم.

الف) گزاره‌های اخلاقی در قرآن

قرآن بر رشد اخلاقی انسان‌ها تأکید بسیار داشته و آن را از اهداف رسالت پیامبر (ص) شمرده است. در نظام اخلاقی قرآن، دو مفهوم «برّ» (نیکوکاری) و «تقوا» از بیشترین اهمیت برخوردارند (پاکتچی، ۱۳۷۵، ۲۱۸). برخی دیگر از ارزش‌های اخلاقی مورد تأکید قرآن، عبارت است از: قسط و عدل، صبر، رحمت و مهربانی، نیکوکاری نسبت به والدین، صلح‌رحم، انفاق به تنگدستان و یتیمان، وفای به عهد، ادای امانت، درستکاری در معامله (پاکتچی، ۱۳۷۵، ۲۱۲).

در کتاب اخلاق در قرآن از آیت‌الله مکارم شیرازی آمده است که برخی از خوی‌های اخلاقی، تنها جنبه فردی دارند و بدون در نظر گرفتن اجتماع، مطرح‌اند. به این گونه از خوی‌ها، اخلاق فردی می‌گویند. برخی دیگر از آن‌ها، در رابطه فرد با انسان‌های دیگر، شکل می‌گیرند؛ به گونه‌ای که اگر یک انسان، تنها زندگی کند، برای او مطرح نخواهند بود. به این خوی‌ها اخلاق اجتماعی گفته می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۷۶:۱).

به طور خلاصه در یک تقسیم‌بندی اخلاقی، خصوصیات اخلاقی به (فضایل) خوی‌های نیکو و پسندیده مانند جوانمردی و دلیری و (ردایل) خوی‌های زشت و ناپسند همچون فرومایگی و بزدلی (رکنی یزدی، ۱۳۷۶، ۲۰-۱۹)؛ و همچنین به (اخلاق فردی) چون صبر و شجاعت و (اخلاق اجتماعی) مثل تواضع و ایثار تقسیم می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۷۶:۱).

به عنوان نمونه آیه ۹ سوره حجرات یک آیه اخلاقی از نوع فضایل اجتماعی شمرده می‌شود در حالی که در تقسیم‌بندی گزاره‌ای، شامل ۴ گزاره اخلاقی و یک گزاره اعتقادی از نوع صفات خداوند است لذا با گزاره‌شناسی دقت در بررسی آماری موضوعات قرآنی افزایش یافته و نتایج حاصل از آن استحکام می‌یابد.

ب) گزاره‌های فقهی در قرآن

از اقسام بسیار مهم آموزه‌های قرآنی، گزاره‌های فقهی به شمار می‌رود. از آنجایی که مهم‌ترین منبع اخذ احکام فقهی قرآن کریم است لذا مراجعه به این نوع گزاره‌ها از زمان نزول آنها مورد توجه و استناد مسلمانان بوده است.

به‌عنوان نمونه شیخ مفید (ره) در کتاب مقنعه، در موارد گوناگون، به گزاره‌های قرآنی فقهی استناد کرده‌اند:

پاکی، پاک‌کنندگی آب (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ۶۳)، قبله بودن کعبه (همان، ۹۵)، وجوب زکات (همان ۲۳۴)، وجوب پرداخت جزیه بر کافران اهل کتاب (همان، ۲۶۹)، وجوب پرداخت خمس (همان، ۲۷۹) و...

در وجوب پرداخت زکات به امام و فقیه (و نفی حق پرداخت شخصی زکات) می‌نویسد:

خداوند فرمود: خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزكیهم (توبه: ۱۰۳)

خداوند، پیامبرش را فرمان داد تا صدقات آنان را بگیرد... امام، جانشین پیامبر است (در هر چه بر پیامبر واجب است) از جمله برپاداشتن حدود و احکام.

شیخ مفید (ره) از این گزاره که تعبیر «خذ» در آن به کار رفته است، استفاده می‌کنند که پیامبر، موظف به دریافت زکات است و پرداخت مستقیم و شخصی افراد، برائت ذمه نمی‌آورد، ایشان اضافه می‌کنند:

«بنابراین، اگر پیامبر (ص) حضور دارد، بایستی زکات را به او رساند و در نبود او، در اختیار جانشین وی [امام معصوم] گذارد و اگر او در غیبت است، بایستی به نایبان خاص او داد و در زمانی که سفیران خاص وجود ندارند، زکات را به فقیهان مورد اطمینان تحویل داد» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ۲۵۹).

در عبارات یادشده، شیخ مفید، از واژه (خذ) در گزاره یادشده بهره می‌جوید و اثبات می‌کند که زکات را نمی‌توان شخصاً پرداخت، بلکه بایستی در اختیار پیامبر، امام و یا فقیه گذارد تا ایشان در مصارف تعیین‌شده، توزیع کنند. برداشتی که از صریح و یا ظاهر اولیه گزاره، استفاده نمی‌شود، بلکه با دقت اجتهادی، قابل دستیابی است.

از این مثال اهمیت گزاره‌شناسی قرآنی استفاده می‌شود که چگونه قسمتی از یک آیه می‌تواند گزاره فقهی قرآنی باشد، درحالی که کل آیه به مباحث فقهی صرف نمی‌پردازد و به‌جز یک گزاره فقهی شامل دو گزاره اخلاقی و دو گزاره اعتقادی نیز است. لذا اگر روشی جدید دقت استخراج مفاهیم قرآنی افزایش دهد، مزیتی است که در پیشرفت علوم مؤثر است.

همچنین با بررسی گزاره‌ای مباحث فقهی می‌توان به نکات جدیدی رسید که شاید تاکنون مغفول شده باشد به‌عنوان نمونه؛ چه نسبت از گزاره‌های فقهی با گزاره اخلاقی در یک آیه همراه شده‌اند و چه نسبت با گزاره اعتقادی؛ آیا در این همراهی هدفی مدنظر بوده؛ و...

ج) گزاره‌های داستانی در قرآن

«قصه» در لغت «قصّ» و «قصصاً» به معنای پی‌جویی، پیگیری، به دنبال حقیقت بودن، از خبر سخن گفتن، آگاهی دادن و نیز دنبال کردن تا به واقعیت آن رسیدن است. مشتق‌های واژه «قصه» در سوره‌های اعراف آیه ۲۶، قصص آیه ۲۵، یوسف آیه ۵، نمل آیه ۷۶ و جمعاً ۲۶ بار و در معنای حدیث و خبر آمده است. واژه «اساطیر» ۹ بار در مقابل سه واژه تاریخی قصص، حدیث و نبأ آمده است (رادمنش، ۱۳۷۰، ۱۵).

یکی از روش‌های مؤثر قرآن در ایجاد ارتباط و انتقال معارف الهی به مخاطبان خود، استفاده از روش ذکر قصص و گزارش‌های تاریخی امت‌های پیشین و انبیای الهی است. قرآن در بیان معارف خود از تاریخ‌نگاری بهره می‌گیرد، چنانچه در سایر کتب مقدّس نیز دیده می‌شود. درعین حال، قرآن به سبب توجه خاصی که به استفاده از خرد در تفسیر و فهم حوادث تاریخی دارد و کاربرد واژه‌های «نظر» و «کیف» مؤید آن است، زمینه‌ساز ارتقاء و تحوّل بینش انسانی می‌گردد و از این رو، با سایر کتب تاریخی و مقدّس تفاوت دارد. رجوع به قرآن نشان می‌دهد که برخلاف تاریخ‌نگاران، به‌صورت طولی و منسجم از حوادث سخن نگفته است و درعین حال، بیشترین توجه مخاطبان خود را به گرفتن پند و ارشاد از ذکر آن حوادث دعوت کرده است و اگرچه از واژه «تاریخ» مستقیماً نام برده نشده، ولی در قالب واژه‌های «أخبارکم، قصه، حدیث، سنن و غیره» و در حدود سه هزار

آیه به ذکر حوادث تاریخی می‌پردازد. داستان‌ها و رویدادهای یادشده، بسیار زیاد و متنوع بوده که در دسته‌بندی تاریخی با عنوان‌هایی چون: انبیاء و محیط تبلیغ آن‌ها، جغرافیای منطقه و روایات مردمانی چون قوم نوح، ثمود، صالح و غیره تقسیم شده است. همچنین رویدادهایی که در تاریخ اعراب پیش از اسلام رخ داده، همچون دخترکشی و استثمار فکری مستکبران از انسان‌ها در قرآن بازتابی گسترده داشته است. البته بخشی از قصص قرآن در کتاب‌های تورات و انجیل نیز آمده است؛ مانند سیل عرم و اصحاب اُخدود. اینکه قرآن داستان‌های خود را به زمان و مکان خاصی محدود نکرده است و همه آحاد بشر را به سیر و سیاحت در زمین و مطالعه و تدبّر در تاریخ پیشینیان دعوت کرده، برای هدایت افکار و قلوب امت‌های آینده و دعوت به واقع‌گرایی تاریخی و روی گرداندن از افسانه‌گرایی است. آیه ﴿مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نُفْسِهِمْ يَمْهَدُونَ﴾ (الروم: ۴۲) این گفته را تصدیق می‌کند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های قصص قرآن، اعجاز آن‌هاست که به‌عنوان «احسن القصص» یعنی بهترین روش داستان‌گویی است. دعوت قرآن به بیان و پذیرش حقایق مبتنی بر نقل داستان‌های انبیاء و حوادث تاریخی گذشته، مانند تکوین آدم و بهشت، میوه ممنوعه و هبوط و غیره، همه از دستاوردهای بی‌نظیر قصه‌پردازی قرآن است که در نوع خود کم‌نظیر است. قرآن به دلیل حَقَائِیتِ کلام و حیانی خود از انحراف و لغزش‌هایی که گاه در قصه‌پردازی عادی صورت می‌گیرد و جنبه سرگرمی و خیال‌پردازی پیدا می‌کند، به دور است (خرمشاهی، ۱۳۹۰، ۱: ۱۲۷).

بدیهی است که ذکر گزارش‌های تاریخی و قصه‌ها از ارتباط میان، انسان و طبیعت نشأت می‌گیرد و این تمهید از آن روی اهمیت دارد که به تثبیت تعالیم انبیاء و به‌کارگیری شیوه درست رهبران دینی در هدایت جامعه و تأمین اهداف تربیتی و معنوی مردم منتهی می‌گردد، چنانچه متن قرآنی خود مؤید استفاده از این شیوه است: ﴿وَ كَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ ...﴾ (هود: ۱۲۰).

در مواردی که قرآن قضیه‌ای را یادآوری نماید که مربوط به تاریخ گذشتگان باشد، آن قضیه به‌عنوان گزاره‌ای در موضوع قصص و داستان شمرده می‌شود، هرچند که با یک جمله خداوند انسان را به یادآوری سرگذشتی توصیه کرده باشد و به تفصیل به آن نپرداخته

باشد؛ مانند آیه ۵۴ سوره انفال: «كَذَّابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِينَ مِنَ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَعْرَفْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ كُلُّ كَانُوا ظَالِمِينَ».

این آیه هر چند کوتاه و در ضمن چند کلمه به تاریخ فرعونیان اشاره می‌کند به‌عنوان گزاره داستانی شمرده شده و به تعداد قضایای این نوع موضوع می‌افزاید، درحالی‌که قرآن پژوهان آن را به‌عنوان آیات القصص به شمار نمی‌آورند؛ چراکه در آیاتی دیگر به‌صورت مبسوط به این داستان پرداخته شده است، درحالی‌که تکرار اهدافی را به دنبال دارد که یکی از آنها اهمیت مطلب است و با گزاره‌شناسی مغفول واقع نمی‌شود.

د) گزاره‌های اعتقادی در قرآن

یکی از مهم‌ترین دسته‌های معارف و گزاره‌های قرآن گزاره‌های کلامی و اعتقادی هستند که در سراسر آیات و سوره‌ها از مکی تا مدنی و از سوره‌های بزرگ تا کوچک را فراگرفته و بخش عظیمی از معرفت و حیانی را به خود اختصاص داده‌اند. به‌طوری‌که می‌توان این گروه از گزاره‌ها را دارای بیشترین تکرار و بسامد بین مجموع جملات و قضایای قرآن دانست. در میان مجموع آیات قرآن اکثریت آنها به مباحث اعتقادی و کلامی می‌پردازند چراکه اعتقاد ریشه عمل به اخلاقیات و احکام است. بر اساس جمع‌بندی تعاریف علم کلام که از سوی معاصرین انجام گرفته علم کلام را می‌توان چنین تعریف کرد: «علم کلام دانشی است که به استنباط، تنظیم و تبیین معارف و مفاهیم دینی پرداخته و بر اساس شیوه‌های مختلف استدلال اعم از برهان، جدل، خطابه و... گزاره‌های اعتقادی را اثبات و توجیه می‌کند و به اعتراض و شبهات مخالفان دین پاسخ می‌دهد» (خسروپناه، ۱۳۸۱، ۴).

معیار کلام و اعتقاد: از آنجا که منظور از عقیده آن باور درونی و ریشه‌دار در جان و روان آدمی است می‌توان گفت مراد از گزاره‌های اعتقادی قرآن، جمله‌ها و بیاناتی از قرآن‌اند که بازتاب باورها و اندیشه‌های نهادینه در ضمیر انسان‌ها بوده و یا باورهایی را نشان می‌دهند که از انسان مؤمن، به‌خاطر داشتن و عمل به آنها انتظار می‌رود. گزاره‌های اعتقادی معمولاً شامل خداشناسی، راهنماشناسی و معادشناسی است و هدف از آنها شناخت و معرفت دقیق و صحیح از مبدأ و معاد است. از سویی به خاطر نام‌گذاری دانش

عقاید به علم کلام اسلامی، به گزاره‌های اعتقادی عنوان کلامی هم می‌دهند. منظور ما از اعتقادی بودن گزاره‌ها در این نوشتار این است که گزاره جزء اصول دین باشد.

مراد از «اصول دین» اصول و پایه‌های اساسی دین اسلام است که مسلمانی بدون اقرار به آنها تحقق نمی‌یابد و انکار هر یک از آنها موجب کفر می‌گردد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ ق، ۱:۵۳۶).

این «اصول» و ارکان شامل توحید، نبوت پیامبر اسلام و معاد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ۱۴).

۱. «توحید»: به این معنی که تنها آفریدگار و مدبّر امور همه مخلوقات و موجودات هستی، «الله» تعالی است و در این خلق و تدبیر شریکی برای او وجود ندارد؛ این «اصل» خود به این چهار مورد تقسیم می‌شود: توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید افعالی، توحید در عبادت.

۲. «نبوت»: اعتقاد به نبوت و پیامبری حضرت محمد صلی‌الله علیه و آله و اینکه ایشان آخرین فرستاده خداوند (جَلّ جلاله) برای هدایت مردم است؛

۳. «معاد»: باور و اعتقاد به وقوع روز قیامت و حاضر شدن همه انسان‌ها در محضر کبریایی خداوند، برای حسابرسی اعمالشان؛

توحید در قرآن

توحید و یگانگی خداوند، با تعابیر و عبارات مختلف، بارها در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است؛ از جمله در سوره توحید که خداوند «احد»، یعنی یگانه خوانده شده است (شریعتمداری، ۱۳۸۴، ۴۸). نفی خدایان دیگر، یکی بودن خدا، یک خدا برای همگان، خدای همه عالم، نکوهش معتقدان به وجود خدایان، تأکید بر نفی اعتقاد به چندخدایی، رد ادعای قائلان به تثلیث و سه گانه باوری و همچنین نفی هر گونه مثل و مانند برای خدا، از جمله مفاهیم مرتبط با توحید است که در قرآن کریم آمده است (میرسلیم، ۴۰۶-۴۰۷). گزاره‌هایی از قرآن کریم که مستقیم به توحید دلالت دارند، عبارت‌اند از:

• قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ: بگو او خدای یکتاست (اخلاص: ۱).

- لا إله إلا الله: هیچ خدایی جز الله نیست (صافات: ۳۵، محمد: ۱۹).
- إِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ: همانا خدای شما خدای یکتاست (کهف: ۱۱۰، انبیاء: ۱۰۸، فصلت: ۶).
- لا إله إلا هو لِيَجْمَعَ كُفْرًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنَ اللَّهِ وَمَنْ أَصْدَقُ حَدِيثًا (نساء: ۸۷).

با بررسی کلام الهی کارکرد تقسیم گزاره بدین گونه روشن می‌شود که هرچند بعضی از آیات صرفاً توحیدی می‌باشند (اخلاص: ۱) و در بررسی آماری گزاره‌ای توحیدی لحاظ می‌شوند ولی بسیار آیاتی در قرآن یافت می‌شود که یک آیه علاوه بر وجود گزاره توحیدی شامل گزاره‌های دیگری نیز می‌باشند که مانع از نام‌گذاری و شمارش آماری در مجموعه آیات توحیدی می‌گردد و در نتیجه از دقت و صحت نتایج به‌دست آمده از جامعه آماری آن مجموعه کاسته می‌شود؛ مانند (نساء: ۸۷) که علاوه بر گزاره توحیدی شامل گزاره معاد، گزاره‌ای از افعال خداوند و صفات الهی نیز است.

معاد در قرآن

بیش از یک‌سوم گزاره‌های قرآن در مورد زندگی ابدی است. می‌توان این گزاره‌ها را در هشت گروه دسته‌بندی کرد که عبارت‌اند از:

گزاره‌هایی که لزوم ایمان به آخرت را بیان می‌کند مانند: «... وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (بقره: ۴)؛

گزاره‌هایی که به نتایج و پی‌آمدهای ناگوار انکار معاد پرداخته است؛ مانند: «وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (اسراء: ۱۰) و سوره فرقان، آیه ۱۱؛ سوره صبا، آیه ۸؛ سوره مؤمنون، آیه ۷۴؛

گزاره‌هایی که به نعمت‌های ابدی بهشت اشاره دارد؛ مانند: «وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ...» (الرحمن: ۴۶) و سوره الواقعة، آیه ۱۵-۳۸؛ سوره الدهر آیه ۱۱-۲۱؛

گزاره‌هایی که به بیان عذاب‌های جاودانی جهنم پرداخته است؛ مانند: «خُذُوا فُجُورَهُ» (الحاقه: ۳۰) و سوره الملک، آیه ۶-۱۱؛ سوره الواقعة، آیه ۴۲، ۵۶؛

گزاره‌هایی که به رابطه اعمال نیک و بد با نتایج آن در قیامت اشاره دارد؛

گزاره‌هایی که امکان و ضرورت رستاخیز را مورد توجه و توضیح قرار داده است؛ گزاره‌هایی که به سؤالات و شبهات منکران معاد، پاسخ داده است؛ گزاره‌هایی که منشأ تبهکاری‌ها و کج‌روی‌ها را فراموش کردن یا انکار معاد و روز حساب دانسته است؛ مانند: «إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص: ۲۶) و سوره سجده، آیه ۱۴۰.

از دقت در گزاره‌های قرآنی به دست می‌آید که بخش عمده‌ای از سخنان پیامبران و بحث‌ها و جدال‌های آنان با مردم، اختصاص به موضوع معاد داشته است و حتی می‌توان گفت که تلاش آنها برای اثبات این اصل، بیش از تلاشی بوده که برای اثبات توحید کرده‌اند. علت این امر هم آن بوده که مردم در پذیرفتن این اصل، سرسختی بیشتری نشان می‌دهند.

با بررسی موارد یادشده و آیات دیگر به این نتیجه می‌رسیم که بسیاری از معارف مربوط به معاد قسمتی از یک آیه را تشکیل می‌دهند نه تمام آیه که با گزاره، گزاره نمودن کلام الهی از معارف دیگر قرآنی تمییز داده می‌شود.

نبوت در قرآن

نبوت یا پیامبری، در اصطلاح شرع منصب اعتباری خاصی است که کسی جز خداوند قدرت اعطای آن را ندارد و از شرایط شخص متّصف به آن این است که پیش از اتصاف و پس از آن، گناهی خواه صغیره یا کبیره از او سر نزنده باشد (مشکینی اردبیلی، ۱۳۹۲، ۲: ۴۱۱)، بر نبی وحی نازل می‌شود و آنچه را به وسیله وحی دریافت می‌دارد، چنانچه مردم از او بخواهند در اختیار آنها می‌گذارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۱: ۴۴۰). نبوت سفارت بین خداوند و اندیشمندان از آدمیان است، به خاطر برطرف کردن حوایج معاش و معاد و نبی از آن جهت که مخبر است، عقول پاک بدن آرامش می‌یابد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۷۸۹).

نبوت در زبان عربی در چندمعنا به کاررفته است: خیردهنده (طریحی، ۱۳۷۵، ۱: ۴۰۵)، مکان مرتفع (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۱۵: ۳۰۲) خروج از مکان (فیومی، ۱۳۸۳، ۵۱۹) راه روشن (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰، ۸: ۳۰۸۲) و صدای مخفی (الجوهری، ۱۴۰۷ ق، ۷۴).

اعتقاد به نبوت، ضروری دین اسلام و همه ادیان آسمانی است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۵، ۱۹۵). ضرورت نبوت و بعثت پیامبران، در قرآن مورد تأکید قرار گرفته و دلایلی برای آن ذکر شده است؛ از جمله اتمام حجت بر انسان‌ها، نیازمندی‌های ذاتی انسان و نیازمندی انسان به اجتماع.

بر اساس آیات قرآن، از جمله اهداف مشترک همه انبیا بدین قرار است:

۱. دعوت به توحید. مهم‌ترین هدف انبیا دعوت مردم به توحید و دوری از شرک و بت پرستی است. (نحل: ۳۶، فصلت: ۱۴، انبیاء: ۲۵ زخرف: ۴۵، نوح: ۳-۲، هود: ۵۰، هود: ۶۱)؛

۲. دعوت به معاد. آنها مردم را درباره زندگی پس از مرگ آگاه می‌کرده‌اند که در آن به تمام اعمال و رفتار انسانی رسیدگی می‌شود و بنابراین هر کس باید مراقب اعمال و رفتار خود باشد تا دچار عذاب و گرفتاری در حیات اخروی نشود (اعراف: ۵۹، مؤمنون: ۳۵-۳۸، شعراء: ۱۳۵، هود: ۸۴، عنکبوت: ۳۶، طه: ۱۵، انعام: ۱۳۰، انعام: ۱۵۴، سجده: ۱۰، ق: ۲-۳، غافر: ۱۵)؛

۳. تحقق عدالت. انبیا با مفسد اجتماعی مبارزه کرده و برای برپایی عدالت در جامعه تلاش می‌کرده‌اند (نصری، ۳۷-۳۵). مبارزه صالح با اسراف و تبذیر (شعراء: ۱۵۱-۱۵۲)، مبارزه لوط با مفسد جنسی (شعراء: ۱۶۵-۱۶۶) و مبارزه شعیب با کم‌فروشی و مفسد اقتصادی (شعراء: ۱۸۱-۱۸۳)، مواردی از تلاش‌های پیامبران برای برقراری عدالت اجتماعی است که در قرآن کریم از آنها یاد شده است (نصری، ۳۵-۳۷)؛

۴. تزکیه و تقوا. این هدف به تأکید قرآن کریم، نقش مهمی در رشد و رستگاری انسان دارد. تزکیه به‌عنوان هدف پیامبران، در چندین آیه از قرآن کریم آمده است (بقره: ۱۶۴، ۱۵۱، ۱۲۹، جمع: ۲). تقوا هم در گزاره‌های مختلفی به‌عنوان هدف پیامبران آمده و در سوره شعراء و صافات، چند گزاره با ترکیبی واحد آمده که نشان‌دهنده تلاش پیامبرانی از جمله نوح (إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ) (شعراء: ۱۰۶) هود (إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُوْدٌ أَلَا تَتَّقُونَ) (شعراء: ۱۲۴) صالح (إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ) (شعراء: ۱۴۲) لوط (إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ) (شعراء: ۱۶۱) شعیب (إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ) (شعراء:

(۱۷۷) و الياس (وَإِنَّ الْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ) (صافات: ۱۲۳-۱۲۴) در توصیه قوم خود به تقواست (نصری، ۴۹-۵۱)؛

به‌طور کلی هر قضیه قرآنی که از آن اثبات نبوت، انکار نبوت یا وصف انبیا برداشت شود در زمره گزاره‌های اعتقادی از نوع نبوت قرار گرفته و در تعیین مقدار اهمیت آن تأثیر می‌گذارد.

عدل در قرآن

«عدل» در لغت به معنای مساوات و برابری است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۵۵۱). در اصطلاح «عدل الهی» آن است که خداوند با هر موجودی، آن‌چنان که شایسته آن است، رفتار کند و او را در جایگاهی که درخور آن است، بنشانند و چیزی را که مستحق آن است به او عطا کند (سعیدی مهر، ۱۳۹۴، ۳۲۷) لذا عدل از افعال الهی که از صفت عادل بودن خداوند سرچشمه می‌گیرد.

نمونه گزاره‌های دال بر عدل الهی

۱. إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ (یونس: ۴۴).
۲. ... وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا (کهف: ۴۹).
۳. ... فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (توبه: ۷۰، روم: ۹)؛
۴. ... إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُضْلِحِينَ (اعراف: ۱۷۰)؛

نتیجه‌گیری

تقسیمات قرآن، بخشی از مباحث علوم قرآنی، ویژه تقسیمات آیات و سوره‌ها به لحاظ مختلف است که از همان ابتدای نزول قرآن همواره مورد توجه بوده و درباره آن بحث‌هایی نسبتاً گسترده انجام شده است. این تقسیمات عمدتاً در محورهای تقسیم‌بندی به سور و آیات، تقسیم‌بندی با توجه به زمان و مکان نزول، تقسیم‌بندی سور با توجه به بلندی، کوتاهی و شمار آیات، تقسیم‌بندی به لحاظ فواید سور، تقسیم قرآن با توجه به تعداد آیات، کلمات و حروف و تقسیم‌بندی محتوای قرآن است و در بین تقسیم‌بندی‌های ارائه شده از قرآن جایگاه تقسیم‌بندی گزاره‌ای از همه مهم‌تر و دقیق‌تر است، زیرا کسب آمار دقیق هر دسته از موضوع‌ها و ریز موضوعات در قرآن با گزاره‌شناسی حاصل می‌شود؛ به عنوان مثال آیه‌الکرسی (آیه ۲۵۵ سوره بقره) فقط یک آیه اعتقادی به شمار می‌رود ولی طبق تقسیم گزاره‌ای دارای نه گزاره اعتقادی در زمینه خداشناسی است که شش گزاره صفات و سه مورد افعال خداوند را بیان می‌کند که اهمیت مباحث اعتقادی آن‌هم از نوع خداشناسی را می‌رساند چرا که خداوند فقط در یک آیه به نه جمله اعتقادی پرداخته است. نتایج گزاره‌شناسی می‌تواند پاسخگوی بسیاری از ابهامات و پرسش‌ها در زمینه اولویت‌های قرآن بوده و راهگشای مطالعات تحلیلی و گسترده در طبقه‌بندی ارزش‌ها و تعالیم و حیانی گردد و مراکز و مؤسسات تفسیری و معارفی مرتبط، در پرتو داده‌ها و اطلاعات و نتایج آن، راهبردها و راهکارهای لازم در راستای اندیشه دینی و زندگانی ناب اسلامی را کشف و ترویج نمایند و از راهبردها و مواضع و اقدامات مطالعه نشده و نسجیده و افراطی یا تفریطی پرهیزند و پرهیز دهند. در زمینه پژوهش‌های قرآنی برای مفسرین و پژوهشگران علوم قرآنی و تفسیری خلأ پژوهش‌های مبتنی بر گزاره‌شناسی قرآنی محسوس است تا زمینه را برای دستیابی به نتایج علمی دقیق فراهم نماید.

در این مقاله این نتیجه به دست آمد که آیات قرآنی را می‌توان به چهار دسته زیر تقسیم کرد: الف) گزاره‌های اخلاقی در قرآن ب) گزاره‌های فقهی در قرآن ج) گزاره‌های داستانی در قرآن د) گزاره‌های اعتقادی در قرآن. گزاره‌های اعتقادی را نیز می‌توان به چهار دسته مربوط به توحید، معاد، نبوت و عدل تقسیم نمود.

فهرست منابع

۱. أبوداود، سلیمان بن الأشعث، (۱۴۳۰) سنن أبی داود، شعیب الأرنؤوط، محمد کامل قره بللی، چاپ اول، دار الرسالۃ العالمیة، دمشق.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۲۲)، فنون الافنان فی عجائب علوم القرآن، هلال، صلاح بن فتیح، چاپ اول، موسسه الکتب الثقافیه، بیروت.
۳. رشید، صالح بن محمد، (۱۴۲۴)، المتحف فی أحكام المصحف، مؤسسه الریان، بیروت، لبنان.
۴. رکنی یزدی، محمدمهدی، (۱۳۷۹)، آشنایی با علوم قرآنی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
۵. حجتی، سید محمدباقر، (۱۳۸۷)، تاریخ قرآن، چاپ بیست و پنجم، دفتر فرهنگ اسلامی، تهران.
۶. قنادی، صالح، (۱۳۸۹)، قرآن‌شناسی، چاپ پنجم، دفتر نشر معارف، قم.
۷. خلیل بن احمد، آل عصفور، محسن، سامرائی، ابراهیم و مخزومی، مهدی، (۱۴۱۰ ق) العین، چاپ دوم، موسسه دار الهجره، قم.
۸. ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۳۸۱)، الاشارات و التنبیها، مجتبی زارعی، چاپ اول، بوستان کتاب قم، قم.
۹. پاکتچی، احمد، (۱۳۷۵)، اخلاق دینی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حیان.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۵)، اخلاق در قرآن، چاپ چهارم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، قم.
۱۱. شیخ مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ ق)، المقنعة، چاپ اول، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
۱۲. رادمنش، عزت‌الله، (۱۳۷۰)، سبک‌ها و نظریه‌های نژادی تاریخ، چاپ اول، کویر، تهران.
۱۳. فانی، کامران، خرّمشاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۹۰)، فرهنگ موضوعی قرآن، چاپ پنجم، ناهید، تهران.
۱۴. خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۸۱)، کلام جدید، چاپ دوم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، قم.
۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۴)، آموزش عقاید، چاپ هفدهم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
۱۶. شریعتمداری، محمدتقی، (۱۳۸۴)، توحید از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه، مجله سفینه، ش ۶.

۱۷. مشکینی اردبیلی، علی و استادی، رضا، (۱۳۹۲)، تفسیر روان، قاسم، شیرجعفری، چاپ اول، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر، قم.
۱۸. مکارم شیرازی، (۱۳۸۷)، ولایت در قرآن، چاپ چهارم، نسل جوان، قم.
۱۹. فیومی، احمد بن محمد، (۱۳۸۳)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، چاپ سوم، دارلهجره، قم.
۲۰. سعیدی مهر، محمد، (۱۳۹۴)، آموزش کلام اسلامی، چاپ بیست و یکم، کتاب طه، قم.
۲۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، میردامادی، جمال‌الدین، چاپ سوم، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، داوودی، صفوان عدنان، چاپ اول، دار القلم للدار الشامیة، دمشق، ۱۴۱۲ ق.
۲۳. ربانی گلپایگانی، (۱۳۸۵)، در آمدی به شیعه‌شناسی، چاپ دوم، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم.
۲۴. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، دار الکتاب العربی، بیروت.
۲۵. میرسلیم، مصطفی و دیگران، (۱۳۷۵/)، دانشنامه جهان اسلام، چاپ دوم، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ایران.
۲۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵/)، مجمع البحرین، حسینی اشکوری، احمد، چاپ سوم، مکتبه المرتضویه، تهران.
۲۷. غیائی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، الاخلاق، چاپ اول، جامعه القرآن، تهران.
۲۸. هاشمی شاهرودی، محمود و دیگران، (۱۴۲۶ ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام، چاپ اول، موسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام، قم.
۲۹. آبیاری، ابراهیم، (۱۴۰۵ ق)، الموسوعه القرآنیة، با اشراف ابراهیم عبده، چاپ اول، مؤسسه سجل العرب، قاهره.
۳۰. رامیار، محمود، (۱۳۸۷)، تاریخ قرآن، چاپ هشتم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۳۱. الجوهری الفارابی و أبو نصر إسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، عطار، احمد عبدالغفور، چاپ چهارم، دار العلم للملایین، بیروت.